

شاہ نعمت اللہ

۱۴۷

کفت هرچهار نعال من نزد هر بیان شما هفت بخشیدم و همیگی سپاه خود را رخصد
داد و خرقه د رو بشو بیار یعنی کفر نه در پویشید و در خدمت آنحضرت بجا و رکردید
و بعد از آن حضرت ولایت رقیب از خلوث بیرون نامده او را بشرفت توپه و تلقین
ذکر و پویشید ز کسوث و ناج فخر سرافراز فرمود و منصب خلیفه الخلفائے سلسلة
خود را با ورجوع نمود

و دیگر بایا با محمد بعد از پیش که از جمله سلاطین بعد ادچون خدمت آنحضرت رضید
از سلطنت در گذشت و دسته محمر میث یافٹ و چنان مرتبه پاقت که وقفی دار
خدمت آنحضرت شاهنشاه بود ناج خود را از سر برداشته بیان به سر نهاد و الحال
طوفانی پدید آمد از چنانکه حاضر از در تعجب مانند ندا آنحضرت با وکفت که ناج را
در شیر سر کنار چون ناج را درست بوسر نهاد آنطوفان بطرف گشت
مولانا ناصح اللہ نعمت اللہی اور ده که دفاند هنر ارتبد صحیح التسبیح فی بعد
آنحضرت در پیش از اندوان از شیخ و شاتب هفت اقلیم از احاطه قعدا دیگر و نکن
چنان پنجه بوز بان گوهر بیان آنحضرت شکن شه

نعت الالہیم و دکر اقلیم عالم مهروار بود و در پیوار بام خاص و عما امثال ام
که در مدت پیش پنج سال که حضرت مقریب در کاهال الشاہ نور الدین نعمت اللہ
در کو ما ان و ماهان شریف داشتند و بزم مسند ارشاد ممکن بودند هر یزد
قابل و هر شب نمره یا لب خشک و دیده تربا میشد و از اینهمون که از کل
ابن جناب ائم که

نا مراد از درمابان نکردیده کیه در میخانه مقابل حاجات بود
ببلان مثا آنحضرت پیشند و آندر بای جود و گرم شیش بھر کس انعامی و
اکرامی و ارشادی بیفرمودند چنانکه خود فرموده اند
پیا از نعمت اسجون و اسیرها که میجوانی که کام دل ان و بای بیان و ایک جیتو
و فریاد طاورد نامن اسناده و خدمت اخیان اغوده ذمہ بیدان بیان مدن مقصود
مید یا ریخود پیشند و آنها بآکثر اوقات دلخواه بعبادت مشغول بوده اند
هر روز در و قتل چلش و پیش پنجه از خلوت جهاد شاد طالیان بمحابی کیم

صادرند

ستاد فتح‌الله

۸۰

می‌آمدند آتا احمدی فیاض را آن بنوی دکر که آنکه آنحضرت چهره‌ی انا و پسر متكلم
کرد و کلام آن ولایت نزدیک بنا شده و سخوده مشتمل بر حکایتی و دعایش و مُتشهدات
از قرآن و حدیث فکلام اکابر از نظم و نثر و عایش بلا غصه و فضاحت مسُود و
با تصانیفهای بزرگ از مقنایت نداشت

زبانه چو اشیا به چو آب عیانی که می‌کرد فرع حجاب
دل غرمه جان یافتو از داشت ز جان معتقد عالم و آدمش
آن فیل نظر د سلوک یقیز مقابل بُدی با چهل اینجوان

خلابق هفتاد قلم و طالب انا هل حال حوال مُتفهم او آنکه کرامه خوارق
غاذیان کاشت د مؤذ فَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ شَيْئَهٖ خود را بعادرند بدار و خد
میرسا پندواز خ من فیض نعمت اطافش مُتفیض می‌گشند و سلاطین آفاق و
اکابر هرمه بار تصریح ای لا یوش و شذوفنا د موافق خدمت خدامش می‌پرسندند
چنان پدر و قوی از اوقا شد و سلطان با اخلاص که در بلاد هندوستان بود کرد
تحفه‌ها و نذرها بخدمت آنحضرت فرستادند که کرمان که از جان بحقایق
مغفور سلطان شاهزاد فرمان فرمای آنجا بود و اندیشه مندگش که اکر کرد
آن تمعای آن بزار شاید پادشاه انا و بیان خواستند و اکراز خادمان حضرت
ولایت قباب طلب نماید بجا طراحت آنحضرت خواهد رسید و تمعای فاقعی آن مبلغ
هفتاد تو مان و کمکی می‌شد لاجرم حقیقت خالی عرض پادشاه جهان شاهزاد
سلطان ساند خاقان مغفور مرد دخاطر گشته که آنوجه فیاض یافت کند که نیا
معاف دارد و درین باب بامهد علیاً گوهر شاد آغا که غافله زمان و ملکه زجه
و حرم محترم بود قرعه مشورت دهیان انتخاخ که دلیلی عرض کرد ای پادشاه
صاحب جاه از آن اندیشه نمای که نادامن آخر الزمان مذکور ساند که سلاطین
هند آنقدر رضه هجیث استدی فرستاده بود ذکر خاقان از سریعای آن نوای
کنست چون پادشاه این نحن شنید فرمانه با اسم خاکم کرمان فرستاد که طلب
تمعا نماید و همچنین بعد از آن همچو سلاطین هند بپرسیا و تخته از سایع لایق بر
و پیشمار تو خدمت آنحضرت فرستادند و درند آنها را اندرومیان و قدر خانه

ماهان

سشا لـ (عمر بن الخطاب)

۱۴۹

ما همان برابر خواستقا هم گذاشت چون خضری شاهزاد خلوت بود احمد بن زاید را می آمد
پسند کرد و بعده میاند بعد از شاهزاد خلوت بیرون آمد نظرش بر آنها
افزاده احوال پسند حقیقت آنرا عرض کردند و قیمت تخریب ها را در معنای که غرایج
اقلمی منشید مذکور را اختیار کرد و لایش فرزنش فرمود آنها را سه حضرت کردند
موافق و گفت آنحضرت بحضور خاقان به پرس شاهزاد خارج دهیله که شکرا و بیهان را
صرف شکر نماید و حقیقت دیگر بخیله الله دهیله که او جاه دارد شهید را در حضور
سوم صرف خرا جات آستانه همانها بند و یک ذرع کو باس بر قدری بارها
بود برداشته فرمود در روپیشان هم عربی خشک کند

با بحمله چون سی شریف آنحضرت بکصد و چهار سال رسید و بحسب تقدیر پیاده
قد پر رحلت آنحضرت و لا یعنی فتنت را پس از جنینت برایاض جنت فردیست
کرد و بد

روز دو شبیه که دشنبه دیگر تو خبر بجا بجتان تحریر فرموده ایانها را
پسندند طوطی طبع شکر فشارش بنظم این ایام اطافتا آیا شکر گویا کش

بی را پرده میخانه روان خواهد خوش خوشی ممنون کو معانو شد
بهرایان فنا دخشم بغا خواهم برد تلخود کرد و بین نام فنا خواهم شد
ماچه موجم را زیبهر پنداشد ایام یکمی متماش کنیهان خواهم شد
نه اتفاق خوبی که تو بدنی و نفع و چیزی نیست که آنحضرت چنان خواهم شد

و دو سه روز پیش از رفاقت این غزل فرمود

حاقبت هند هاسو و معا خواهد شد بی را پرده میخانه روان خواهد شد
آناینست که از مشرق جان میشان کرچند بدلا اجتنانها انزوا خواهد شد
هنوز ما آب جهان و جهان خواهند زود بینند کریه ناو و شاهنخواهد شد
حصت هند سویش غنیمت همیلا کرد این یک دو سه روز از جهان انزوا خواهد شد

آنکه آنبر و دودمان امامت خلفا و در روپیشان و مخلصان ڈا طلب ناشستند
و مخصوصی و لا یعنی هند و ارمنیاد طوایف عباد را بولدا رسید خود شاه خلیل الله
شتویض فرمود و گفت همارا ایده کاره حقیقت همیباشد فنا نکم مازا غیره بعد

شاد نعمت الله

144

از اونا در دكپكه برو ما نماز کنار دار داشت طایب خواهد بود
وچون در دنگ شد و در پیش بته بیندند قم شهر رجیل رحیمه استهاریع و
وثلثین وثمان مائیز رسید کله طبیه شهادت آن بر قیان عرفان بیان جاری خوا
طایر مسخر بر قتو حشیه بنا به ظایر انش بر فران بنود.

از قوع اینجاد نهشامله ناپر مخزن والرد و کانون در عذر اشرف بحق آدم کشت
وازد و شاین فاعله فرع اکبره رعایت اصحر همیشه ظهور یا فشریدن و خلنا
آخنه بجهای اشک خوب از دیدگاه و دلگشوده در پیشان سلسله و اصحاب
هزاین اتفاقی ندوه دکنیا و خوب دیده خود غلطان بودند حضور میان
میبدیه همینا به بود که بجز باین قلم بکعبتیت هسر بر آن تو اند پرداخت و شدنا ندوه
آن تعریف نه ائمه زیده داشته که قلم در زبان شرح آزاد را بنا و دا قمیتن تو اندست
چون زمانه از دصلنان حاوی کالات افتاده کنده با طایعه نظام الدین کجی
که خلیفه الخلفاء مسلمه نعمت الله بود در آنوقت دلیل قلید تو ابیع ابر قوه مسیود
بطی ایار ضعیاضر بود بخطابه آذای و سویں بینلا آخنه بجهای قیام بمنود بعد از
آن مخفه ایش ره در آنجام مع کو ما ز بعد که منادی ایش و عملی و مستظر بودند که آیا سعاد
اما من هنوز از کدام سعادت تندخوا هدی بود ناکاهه ایه شمس الدین محمد بن ایا همیش
آن بهم امده و بنا که میکلم نکرد بدان دلیل پیش ایشان دو برا آن جنائزه مغفره نهاده
نمایند کذا و دلیل کاهه تا بیوت منوره ایها هان برد در رخانه اه مقصد که که حال
عطاف طعن ای ایا آفاقی است بجهای سپرند

مشهد ایال بیل رفاقت رفعت رفوان بود اینچه زی خوش شهر شهد در خلیل ماهابو

نېز ایش زان یار نکن کە ناپایي مىلاد نانىڭ قىرىۋىقىلە حاجاتنىڭ بىلەن بۇ

آن غرایی پیغام را فوجان آنکه مولو دعاقتن محدود آن شر خپل از باب شهر و در روز پیش از شب
پیش از دوم شهر رجب به ترتیب شنبه، چهارشنبه، سه شنبه و پنجشنبه و سیمین شنبه و سی و هشت
کسری و چهارشنبه و سه شنبه و دو شنبه و پنجمین شنبه و شنبه پنجمین شنبه و شنبه پنجمین
شنبه و شنبه پنجمین شنبه و شنبه پنجمین شنبه و شنبه پنجمین شنبه و شنبه پنجمین شنبه و شنبه پنجمین شنبه

شاد رحمه الله

141

شانعہ شریعت

۱۴۹

برگای اضافیه افتش پوشیده بدانند که این مختصر کجا بایش تباشد هم‌اً لاشونو بیف
غاداً شیوه سپتیلیستی نموده خصلات را از دینار آزاد بینای برای قلم مشکلین رویم و در تحریر
آن خود را معاف و معدن و داشته بینیم کی او لا ادو ایجاد شر بینا و رئیسینا ید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شاه قلی ناچنگانی خوازندی عشیل بزهان الدین شاوه خلیل الله کرامه
فرموده بود که بی مسنا در شاد پد رجلوس فرمود و بر حبایا شد عاد
پیرزاده شاهزاد سلطان گورکان از کرمان بهزاد وقت قبر شد کرد که

پرہلیتہ مشروبات

وَشَاهِ خَلْيلِ اللَّهِ زَادُهُمْ بَارِزَةً وَتَعَالَى جَهَارًا فَرَأَيْنَاهُ مِنْ حَمْدِهِ كَمَا
نَوْفَ شَاهِ نُورِيَّةَ شَاهِ شَهْرَ الدِّينِ شَاهِ حَسَنِ الدِّينِ شَاهِ

جیبائے شاہ جنپیاں دین مختال

وَحَقَّتْ بِأَمْكَنْ وَقْتٍ لِلشَّاهِ شَهْسَرِ الْبَزْنَاجِهُا بِپَکْرَدَاد

وَشَاهِ حَبْيَلَ الدِّينِ مُحْبَّتَهُ فَإِنْهَا دُرْدَهُ فَرَزَ نَدْمَاهُ بِنْ ذَكُورَ وَأَنَاثَ كَهْ
بَعْضُوهُ ذَرَ كَوْذَكَيْ فَوَكَشَندَهُ وَهَفَدَهُ دِسَرَ وَبَانَدَهُ دَخْرَدَهُ دِيلَكَ كَثِيرَ

هندوستان بنشد رپیدند

شَاهِ نَعِيمُ الدِّينِ نَعِيمُ اللَّهِ ثَانِي بْنِ دَامَادِ مِيرزا جَهَانْغَارَ تَرْكَمَانْ قَرَا قُوْيَى لَوْ

از اجله عازم دندفعه کنمیکه است و توجه به اش در جهاتی بسیار بینضل رکنید

وَهُنَّا إِمْرَأُنَا نَظَامُ الدِّينِ صَبَّارًا لِّلْأَقْوَافِ وَكَلِيلًا حَاضِرٌ شَاهِدٌ اسْتَعْلَمُ كَمْ مَوْعِيَ كَمْ

خان طالبان شہنشاہ

نَا بَعْدًا نَمِيَارَ شَرْجِي وَتَقْبِيلَ كَرْمِيْزَى اَحْمَدَ مُعْنَى دَسْنُوْنَى مُوَرَّخَ يَزْدَ
دَرْجَامِمِ خَوَدَشَ بَرْجَهَشَ مَثَاهَ نَعْمَلَ شَهْرَقَى وَأَوْلَادَ دَاجَادِ وَهَى دَرَدَهَ اَكَ

فَهُنَّ مَنْ هَمَّ سَالَ طَيْبٍ جَاهِدٍ فَارِدَ الْكَرْبَلَةِ

الشّيّطانُ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ
فِي جَهَنَّمْ	سِنَنٌ ٢٩٧	سِنَنٌ ١٣٣	شِيلٌ ٦٣١	شِيلٌ ٦٣١	شِيلٌ ٦٣١	شِيلٌ ٦٣١
وَمُهَمَّشَكَنْ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ
شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢	شِيلٌ ٦٣٢
جَاهِدَقْلَاقَةَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	جَاهِدَقْلَاقَةَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	جَاهِدَقْلَاقَةَا
عَلْقَبَ بَجَهَنَّمْ	سِنَنٌ ٤٤٦	سِنَنٌ ٤٤٦	عَلْقَبَ بَجَهَنَّمْ	سِنَنٌ ٤٤٦	عَلْقَبَ بَجَهَنَّمْ	سِنَنٌ ٤٤٦
سُورَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	سُورَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	سُورَشَا
أَفَاجِهَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	أَفَاجِهَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	أَفَاجِهَشَا
عَرْجُونْ	سِنَنٌ ٥٥١	سِنَنٌ ٥٥١	عَرْجُونْ	سِنَنٌ ٥٥١	عَرْجُونْ	عَرْجُونْ
فَخَشَّا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	فَخَشَّا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	فَخَشَّا
مَبَرُورٌ	سِنَنٌ ٨٥٠	سِنَنٌ ٨٥٠	مَبَرُورٌ	سِنَنٌ ٨٥٠	مَبَرُورٌ	مَبَرُورٌ
فَابِالشَّيْطَانِ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	فَابِالشَّيْطَانِ	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	فَابِالشَّيْطَانِ
عَبَلَنْ قَبَلَنْ	سِنَنٌ ٢٠٣	سِنَنٌ ٢٠٣	عَبَلَنْ قَبَلَنْ	سِنَنٌ ٢٠٣	عَبَلَنْ قَبَلَنْ	عَبَلَنْ قَبَلَنْ
شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣	شِيلٌ ٦٣٣
جَاهِدَقْلَاقَةَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	جَاهِدَقْلَاقَةَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	جَاهِدَقْلَاقَةَا
طَابِرَشَا	سِنَنٌ ٢٢٣	سِنَنٌ ٢٢٣	طَابِرَشَا	سِنَنٌ ٢٢٣	طَابِرَشَا	سِنَنٌ ٢٢٣
شَا هَنَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	شَا هَنَشَا	وَلَادَتْ جَاهِدٌ عُمُرٌ	رَحْلَتْ مَكْلِطِينَ	شَا هَنَشَا
فَبِرْزَنْ	شِيلٌ ٦٣٤	شِيلٌ ٦٣٤	فَبِرْزَنْ	شِيلٌ ٦٣٤	شِيلٌ ٦٣٤	فَبِرْزَنْ
فَاصِلَهَشَا	سِنَنٌ ٦٣٥	سِنَنٌ ٦٣٥	فَاصِلَهَشَا	سِنَنٌ ٦٣٥	سِنَنٌ ٦٣٥	فَاصِلَهَشَا

سلطنة عظمى

السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان توأب شرف والأعضايا السلطنة ميرزا فرند حضرت والأوصياء
مظفر الدين شاه ابن ساحرقلن ناصر الدين شاه بن محمد شاه توأب شرف والسلطان حمد بن ميرزا فرند حضرت والأوصياء
ابن ولهمه عباس ميرزا البر خاقان ميخائيل شاه ابن جينيلينا ابن توأب شرف والأعضايا ميرزا فرند حضرت والأوصياء
سلطان محمد حسن شاه ابن مخلوق خان بن أمير شاه قلخان بن محمد توأب شرف والأوصياء ميرزا فرند حضرت والأوصياء
ابن محمد بخان بن محمد قلخان قاجار خدا الله ملك ود ولله توأب شرف الأفعى الله ميرزا شاه بالدهل فرند حضرت الأوصياء اللهم

تقلاه ما يُؤْنَ

رقد جعجماردم شهر جادى الثاني شهر كهرمان دود فدي عقشى توأب شرف والأوصياء اللهم
نه من المجرة المقدسة النبوة صلى الله عليه واله وسلم
جعجماردم شهر جادى سلطنت
رقد شنبه هجدهم شهر زنجى القعدة الحرام شهـ بکهرمان دود

سینه دزاده دزاده سلطنة تبريز

جعجماردم شهر جادى سلطنت

رقد شنبه هجدهم شهر زنجى الجدة الحرام شهـ بکهرمان دود ویسحد توأب سلطابة عليه غالیه فرالسلطنه
سینه که بهر قزی ویمکن و مبارکا بینا غافسالغا زده توأب سلطابة عليه غالیه شکو السلطنه
سلطنه باورنات هایونی است
ابن اعظم سلطنة عظمى

ابن اعظم سلطنة عظمى

حضرت سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم توأب سلطابة عليه غالیه فخر الدو
ولهمه داده
ملکنا ذرباچان داده اشقاپاله العالی توأب سلطابة عليه غالیه فخر الدو
ربيع الثانیه شهـ بکهرمان دود ویسحد و هشادونه هجری

توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

شهـ بکهرمان دود ویسحد و هشادونه هجری

توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

شهـ بکهرمان دود ویسحد و هشادونه هجری

توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

شاه اقباله العالی توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

توأب سلطابة شرف اکرم والاسا هنها هزاده لعظم

توأب سلطنة

توأب سلطابة شرف والأعضايا خاقان توأب سلطابة شرف والأغوشة هزار دوججه
توأب سلطابة شرف والأناصر الدين ميرزا توأب سلطابة شرف والأغوشة هزار دوججه
سینه هجم شهری لفغاۃ الحرام شهـ هزار دوججه
توأب سلطابة شرف والأغوشة هزار دوججه
توأب سلطابة شرف والأغوشة هزار دوججه

أَعْمَادِ كَلْطَنْ
نَوَابِ شَرْقِ الْأَعْجَزِ التَّوْلِيَّ عَبْدِ الْقَمِيْهِ زَا
بَنْيُ خَوْلَنْ كَرْشِيْهِ كَلْطَنْ

امیرزاده اصلان میرزا سرتیپ اول ولد مرحوم ایضاً امیرزاده حاجی سیناللوک میرزا
 مغضض حضور پیش خدمت خاصه ها بودند پسر مرحوم حاجی جماندانا میرزا و شفاف شلطنه . امیرزاده
 جهانشاه میرزا اول دایضاً امیرزاده حاجی عبدالوهاب میرزا ولد مرحوم مغضض الدبله
 امیرزاده شاهزاده حسین ظهری شلطنه ولد ایضاً امیرزاده شمس الدین میرزا امیرزاده
 ولد مرحوم شلطنه حسین میرزا امیرزاده ضیاء الدین میرزا ولد مرحوم ایضاً امیرزاده
 قوام الدین میرزا افعو مرحوم حسین علی میرزا افرمائان نصر ما شاهزاده فخر میرزا شاهزاده
 میحی الله میرزا امر فرد الشلطنه امیرزاده تیمور میرزا امر فرد الملك امیرزاده محمد کاظم میرزا
 پسر مرحوم عالمشاه میرزا امیرزاده مقبل الدله شاپور میرزا امیرزاده ابو تراب میرزا
 حسام الممالک ولد مرحوم حاجی محمد ربانی میرزا امیرزاده شلطنه حسین میرزا پسر مرحوم نایب الاماله
 امیرزاده اکبر میرزا اول ولد مرحوم معزز الشلطنه حسین شاه میرزا امیرزاده ادریس میرزا پیر بخشی من
 امیرزاده محمد علی میرزا اول دایضاً امیرزاده محمد کاظم میرزا اول داد سلان میرزا نواب محمد علی میرزا
 مشکون الملك ولد مرحوم خسرو میرزا نواب حاجی مسعود میرزا اول ولد مرحوم جهانگیر میرزا
 نواب حاجی محمد حسین میرزا اول ولد مرحوم ایضاً حاجی فتح الله میرزا اول ولد مرحوم ایضاً شیخ حسن میرزا
 ولد ایضاً محمد علی میرزا اول ولد حاجی فتح الله میرزا نسب علی میرزا اول دایضاً امیرزاده کامران میرزا
 ولد مرحوم معین الدله امیرزاده جلال الدین میرزا اول ولد مرحوم ایضاً امیرزاده ابو الفتح میرزا
 اول ولد مرحوم ایضاً امیرزاده اکبر میرزا اول ولد مرحوم ایضاً علی بیغی میرزا اول ولد مرحوم ایضاً بهمن میرزا
 ولد مرحوم ایضاً نوید الدین میرزا سرتیپ استم احمد میرزا سرتیپ قم ولد محمد میرزا حاجی مجلد الدین
 میرزا سرتیپ قم ذبحی الله میرزا سرتیپ ولد حاجی شیکاویس میرزا کامران میرزا اسرتیپ استم
 بهمن میرزا اسرتیپ سوم امیرزاده جهان نو ز میرزا اول ولد مرحوم ایضاً امیرزاده ید الله میرزا اول
 ایضاً محمد حسین میرزا اسرتیپ سوم امیرزاده امجد الملك ولد نواب مغضض الشلطنه امیرزاده اصلان
 میرزا اسرتیپ سوم نواب محمد تقیان ولد مرحوم مؤبد الدله محمد کیمی میرزا اول ولد مرحوم ایضاً
 غلامحسین میرزا اول ولد مرحوم ایضاً احمد میرزا نایب اجود انبائی شیخی پسر مرحوم کیمیاد میرزا
 جلال الدین میرزا نایب اجود انبائی شیخی شلطنه مجید میرزا نایب اجود انبائی شیخی
 شلطنه احمد میرزا نایب اجود انبائی شیخی

اَيْضًا اُمِرِ زَادَ كَارِنَجَلَارَ كَارِنَوَادَ كَارِنَبَلَطْنَبَلَ

نواب فخر میرزا اصارم الدله سردار اعظم نواب جلال الشلطنه محمد میرزا امیر قوان
 پسر مرحوم اعضاه الدله نواب اعضاه الدله هشتم میرزا امیر قوان ولد مرحوم ایضاً
 نواب فتحعلی میرزا اعضاه الملك پسر قوان ولد مرحوم ایضاً

آخِلَّتْ هَرَدَادْ عَارِبَيْنَ لَنَّا نَالْ بِجَلْهَافَ بِجَهَ

بۇدا سىنەتىنەن خاتىپ جىلەكىم مەھىدى قۇلۇخان مەجىدالدۇلە ئەپلىخانىن كىل بىل جىلېل فاجار
خاتىپ جىلەل ئەپلىخان مەجىدالدۇلە ئەپلىخانىن كىل بىل جىلېل فاجار
خاتىپ جىلەل ئەپلىخان مەجىدالدۇلە ئەپلىخانىن كىل بىل جىلېل فاجار

شاهزادگان اولاد غلام خسرو خان عجمیان فاجهہ علماء علما

تواریخ شیعیان و محدثین شیعیان
فؤاد فاجار محمد علیخان حسین علیخان ذکر
والحمد لله رب العالمین

طائف عمر ملوى

یوسف بزرگ ابراهیم بزرگ اردشیر حسن بزرگ محمد بزرگ
عبدالعلی خان بزرگ شاهزاده علیرضا خان عجیل خان
حسن خان قلدامان الله خان محمد خان شیخاع فاجار
ولد محمد میرزا محمد میرزا اردشیر طاولیان علیرضا

فَلَدْمِيرْسِنْ بِرْزَا مَهْرَبَنْ بِرْزَا وَلَدْمِيرْسِنْ بِرْزَا
وَلَدْمِيرْسِنْ بِرْزَا سُلْطَانْ بِرْزَا وَلَدْمِيرْسِنْ بِرْزَا
أَبُو الْمُحَمَّدْ بِرْزَا وَلَدْمِيرْسِنْ بِرْزَا جَلَلُ الدِّينْ بِرْزَا

طاف شریعت‌الله

أبو الحسن مهرزا ولد عبد طيف مهرزا جلال الدين مهرزا
عبد الصمد مهرزا ولد عبد طيف مهرزا جهانشاه مهرزا
والهامسون الملك مهرزا ولد لطف الله مهرزا ولد محمد صنادق مهرزا

صلاده ایشان ملکه ایشان ملکه ایشان
صلاده ایشان ملکه ایشان ملکه ایشان

طافہ ۱۰۷

طريق حجج سيدنا **صافر و حويبي** **سیدنا** **طريق حجج سیدنا** **صافر و حويبي** **سیدنا**

عبدالسخان ولد مهدیخان على اصغر خان ولد ابيها
محمد حسن خان فاسخه از بصر الدله محمد تقیخان سرتیپ
اسد الله خان، محمد رضا خان ۱۰۱

وللنظام العلیاء، محمد سعید خان میرزا احمد خان ولد
حیدر خان تبرزا احمد خان ولد ایضاً علیخان ولد
امیر خان تبرزا احمد خان ولد ایضاً علیخان ولد
امیر خان تبرزا احمد خان ولد ایضاً علیخان ولد

سید امداده خان، محمد رضا خانی،
طایفه حاج مشهد سپاهانو
الامرا و العظام حسینیان معتمدها جاد هر زبان

حسنیان نواره مصطفیٰ الدین محمود خاں نوادہ امیر فارسہ عطا
حسنیان نوادہ مصطفیٰ الدین محمود خاں نوادہ امیر فارسہ عطا
حسنیان نوادہ مصطفیٰ الدین محمود خاں نوادہ امیر فارسہ عطا
حسنیان نوادہ مصطفیٰ الدین محمود خاں نوادہ امیر فارسہ عطا
حسنیان نوادہ مصطفیٰ الدین محمود خاں نوادہ امیر فارسہ عطا

طایفهٔ شاد بود اغافل
فدر حیم خان، حاجی مهیل خان فولانو
آمیر الامراً العظام حاجی محمد خان فرمان‌الملک دشمنان را
بیرون کنند و سبق اتفاق آن از مشه قاعده دند و سبق اتفاق

مَا لَنْ يُرَىٰ إِلَّا مَوْعِدٌ

سلیمان بن عمار الملائک خلام معلیان ولد مرحوم محمد بن محب
خاضه علم حیدرخان معلم سلیمان بن احتشام فاجدار آجڑا نعمة الامراء النظام محمد صادق خان سدق امیرالملوک پسر

أحمد العطام عبد حبيبها عزها الله ربها
أحمد العطام عبد حبيبها عزها الله ربها

طائفہ کے رو ایک لائے اور اعظم احتجاج میں ملک نبیں کریں اور اکثر اس سیاست کو عمل میختاہد جو اتنا احتہا لے تاکہ اتنا تھہ اکھنے لے سکے اور اکثر اس سیاست کو عمل میختاہد جو اتنا احتہا لے تاکہ اتنا تھہ اکھنے لے سکے

عَلَى مَنْدَرْخَانِ حَشَامْ قَاجَارْ مُحَمَّدْ خَيْرْ عَلَهُ الْأَمْرُ الظَّاهِرْ بَشَّارْ وَهُنَادْ فَخَانْ
فَرَابْخَانْ قَلْوَهُسْنَقْلَهُخَانْ عَلَى كَبَرْخَانْ عَلَى مَرْغَزْخَانْ مُرْتَضَى خَلَّا خَالَ أَصْدَارَ اللَّهِ خَيْرَ بَرَسْخَانْ بَرَسْخَانْ سَمِيعْ

فَرَادِ جَلَبِ الْجَانِك

ضَرِعُ مُسْطَابَةِ شَفَرِ اِمْجَدِ اَكْرَمِ اَلْأَنَابِيلِ سَلَطَنِ اَمْبَكِ بُزِّيْرِ جَانِكِ
جَنَابِ مُسْطَابَةِ اَقْبَلِ حَسَنِ خَالِفَتِ اَسَدِ اَرْكَلِ دُوزِرِ نَظَامِ دُبِّيْرِ كَلِفُونِ اَذْرِ بَاجَانِ

مُجَلِّسِ عَحَادِ اَصْرِلِنِ حَلِيلِهِ عَسِكَرِ تَرِهِ

جَنَابِ مُسْطَابَ بَهَادِ الْمَلَكِ دُوزِرِ بَخَاكَانِ عَسِكَرِهِ تَوَابِ اَلْأَسَاعِدِ نَظَامِ نَابِتِ بَسِ جَنَابِ قَاسِيدِ اَبِرِ اَهِمِهِ فَضَهِ عَسِكَرِ مَافُو
دِبِّو اَنْخَاهِ اَذْرِ بَاجَانِ تَوَابِ مُحَمَّدِهِ مِنْدِنِ تَوَابِ بَعِيشِيِّلِهِ بَهِرِ اَمْبَشِيِّلِهِ عَدَدِ اَلْأَمْرَاءِ نَظَامِ نَصَارِهِ خَانِ صَرِيبِ فَوْهُ

اَصْفَ الدَّوْلَهِ جَنَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَدَدِ اَلْأَمْرَاءِ نَظَامِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

بَهِرِ اَمْبَشِيِّلِهِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

بَهِرِ اَمْبَشِيِّلِهِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

فَتَعِ اللَّهُ خَانِ مَنْبَشِيِّلِهِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

سَوْنِي اَنْهَالِهِ لَهِ شِنَاكِهِ مَوْافِعِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ جَنَابِ مُسْطَابِ سَاعِدِ الدَّوْلَهِ سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

قَوَابِ مُسْطَابِ طَفِرِ السَّلَطَنِ سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ جَنَابِ مُسْطَابِ نَاظِمِ

السَّلَطَنِ سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ جَنَابِ مُسْطَابِ عَبَدِ اَشْخَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ

جَنَابِ مُسْطَابِ جَاجِيِّلِهِ بَهِرِ زَاعِدِ جَنَابِ مُسْطَابِ عَبَدِ اَشْخَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ

جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَمْؤَيدِ جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ

نَصَرَةِ اللَّهِ خَانِ طَالِشِ جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَمْؤَيدِ جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ

صَرِيدِ اَمْنَصُورِ جَنَابِ مُسْطَابِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ

عَنَيْتِ اللَّهِ خَانِ شَاهِسَوْنِ

اَحْرَلُوْقَاتِ

شَوْنِي اَنْهَالِهِ لَهِ شِنَاكِهِ مَوْاقِعِ بَهِرِ زَاعِدِ اَكْرَمِ خَانِ لَشَكِنُوْسِ عَمَّسُودِ خَانِ سَرِيشِ بَهِرِ زَكِوْنِ خَانِ وَاجِدَانِ

جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ بَهِرِ خَلُوتِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ

جَنَابِ الدَّوْلَهِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ اَبِينِ خَانِ جَنَابِ

اَمْبَكِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ صَنِيَاَهِ الْمَلَكِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ

مَهْدِيِّلِهِ تَوْغَانِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ خَاجِيَّ طَفِرِ

شَاهِسَوْنِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ غَلامِ حَسِينِ جَازِرِ

جَنَابِ جَلَبِ الْجَانِكِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ

عَلِيِّلِهِ بَهِرِ خَوْمِ بَهِرِ شِكَارِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ اَلْمَلَكِ

بَهِرِ حَوَامِ بَهِرِ نَظَامِ جَنَابِ بَهِرِ اَمْرَاءِ نَظَامِ عَمَدِيِّلِهِ عَنْهَهِ

الْقَعْدَهِ اَمْبَكِهِ مَلِكِ نَظَامِ خَلَدِيِّلِهِ خَانِ عَقِشَامِ الدَّوْلَهِ بَهِرِ

اَبِرِغَمِ اَمْبَكِهِ اَمْرَاءِ نَظَامِ لَهِلِيِّلِهِ بَهِرِ شَاهِهِ الْمَلَكِ شَاهِسَوْنِ

میرزا وضا میرزا نه (اکرم خاں بیگان)

میرزا علی بنی افغان الاطباء نایاب پیش
بود اخان نوادہ عبداللہ خاں و پیش افتباون نظام از در بامخان میرزا
سید احمد فخر الحکماء میرزا علی بنی
کندہ الحکماء میرزا رفیع خاں فیض الحکماء
میرزا ابرار حسین میرزا محمد اور میثہ
میرزا امین اعتماد الاطباء حاج
میرزا سید طبیب فوج لوہیلو مشیش
ترجمہ دو لائے

آخر سلطان غیر

اطباء مرکزی مش میر قدر
میرزا حسین اعتماد الحکماء نایاب پیش
و پیش امداد خراسان میرزا ناشد
میرزا ابرار طبیب خراسان میرزا
عبدالله میرزا محمد میرزا احمد خاں
میرزا حلیل جدید الاسلام میرزا علی بنی
میرزا احمد طبری شہ میرزا محمد طبری
حاج میرزا محمد علی

جن از امر کریم میرزا
جرح او دل اسماں بیرونی هد
میرزا تھی میرزا سید علی کر میرزا
سید باقر میرزا آغا میرزا احمد
میرزا احمد فرویتی دو اسماں بیرونی

استوارا کرد سطما

حکم قبلہ میرزا احمد خاں میرزا اونف
ظہاء الاطباء میرزا سید ابو القاسم
عز الحکماء میرزا نعیی میرزا صالح
طبیب سوارہ کوداری و بیظانی
میرزا احمد خراج میرزا محمد و اسنا

سمعت

میرزا سید ابو القاسم طبیب میرزا مشیش
طبیب میرزا سید علی بنی هریج
میرزا علی بنی افغان کلانتر کرمانی

عطاء السلطنه کی مدد اخان مجید دم، اعتماد قلبخان جہان بیکلو میرزا
محمد علیخان غازنی شکر میرزا احمد خاں کرچو دل

پیشخدمت دیوبخان پیشخدمت امیر خلافہ میرزا احمد بخان نوادہ مرحوم صد
الملک محمد خاں پر ظفر الملک نظام الدولہ

ذوالغفار خاں سہم السلطنه سر قلی میرزا کرقہ

میرزا علیخان صدام السلطنه محمد حسین

شجاع الملک میرزا اسد اللہ خاں ولد

عطاء اللہ خاں محمد مقدم بخان مظفر الملک

برادرزادہ و بکل الملک علی کریم خاں

میرزا سید علیخان پیشخدمت نجفی خاں

ولد ظفر الملک سلطان علیخان حمد

حیدر خاں شہاب السلطنه علیہ رضا خاں

پسر حسین الملک محمد کنخان سراج

حضور میرزا احمد خاں ولد اپنئا

میرزا علیخان ولد رضا قلبخان قزوینی

میرزا اجواد خاں عباس قلبخان برادر

بیش الملک هدایت اللہ خاں مرضی

فلیا فہ میرزا احمد خاں پیشخدمت

میرزا اعلیٰ کریم خاں احتشام دہوان

کلب علیخان ولد مرحوم نظام الدله خاچ

فضل علیخان شیرازی میرزا عبد الرحمن شیر

سر قلی لاسوہ

عباس علیخان پشکوہی میرزا انصار قہم

مندیس مصطفیٰ فیضخان ولد مرحوم

حسین الملک علید باقر خاں میرزا

عبدالکریم خاں سرتپ سابق فوج

محسوس میرزا احمد خاں ولد مرحوم میرزا

نکنخان ساوی خاں ولد مرحوم نظام

الدقہ نصر اللہ خاں ماکوئی حیدر

خاں ولد ابو القاسم خاں اسد اللہ خاں

طالب مریم علیخان میرزا سید انصار

کاشانی میرزا افغان و شوق نظام

خلیل حسین خاں میرزا احمد خاں فاجار

میرزا علید اخان میرزا احمد خاں

میرزا احمد خاں میرزا احمد خاں

میرزا احمد بخان کلانتر کرمانی

حکرمان

مہرالنگاو، محمد الاصیل، سراجخان، مسکنالسلطنه، مہرالمومنخان، فوجہ صد

مہرالاھینخان، جراح، مہرالابرو، اصفهانی، دخان، فیلمخان، مجنوون، بے

فائز، ایضاً جوڑا، ایضاً شے

سلیمان، شاہزاد، کاظم، قبرزادگان، کبیر

کلبی، ضا خان، ولدمخوم، ایضاً نظام

عبدالعلیخان، ولدمخوم، ایضاً

شیف الشخان، پکروز، بہ نظام

اللیارخان، ولدا یضا، ایضاً خان

پساضاً جانمہنخان، پساضاً خان، با

خان، ولدمخیم، خان، شفاقی اللہ

خان، مکوئی، علیبغی خان، بولکرخان، فواد، مخا

باد، مسٹار، ایضاً فتح اللہ، مہر، ذریعی

مہلخان، غلام رضا خان، مہنخان، محمدخان، پسکو

قهرمانخان، سید، حسینخان، فردکو، بے

سید، مسینخان، ایضاً مہر، علیخان

خان، باخان، خامی، فیلمخان، محمود،

جعفیخان، عبد العلیخان، افتخار

کلائی، علیخان، پھارم سلطنه،

حسینخان، بنادم، دمروم، علیخان، فران

افاخان، دشی، مہر، اعلیٰ اسکر

ذین القابدین، مہر، افتح اللہخان، فاجار

کرانشاہ، محمد، فیلمخان، کرنٹہ،

غلام، مسینخان، علیخان، ولدمخوم، حاجی

مہر، احمد، فیلمخان، مسکنخان، علیخان

مہر، احمد، فیلمخان، ولدمخوم، مہر،

غفارخان، کرد، دستی، عبد العلیخان،

کلارو، شہی، عبد اللہخان، پیر، رحم، فردکو، بے،

مہر، اعلیٰ خان، اسد اللہخان، فرشتے، منوی، رحوم، وکل المللک، محمد، فیلمخان

مہر، اعلیٰ، اکبرخان، شیرازی، محمد، فیلمخان، سلیمان خان

حاجی، محمد، فیلمخان، قطبی

باور رخراج فوج

الذین، مہر، احمد، ناصرخان، نواز، رحوم،

بیوسخان، اسیفیخان، بادکو، محمد،

قدیم، مہر، ابراهیم، فہی، مہر، اسیفیخان، بیوسخان، کوڈاری، مہر، اعلیخان

مہر، احمد، رہنمایان، نیب، عکبیا، شے

مہر، ابو الفاسد، مہر، الفلاطون

مہر، محمود، جراح، مہر، الرسطو، جراح

مہر، احمد، داساز

مہر، استدین، طبیب، حاج، مہر،

محمد، علی، جراح، مہر، تلفیل، جراح

کیلان

مہر، البراء، ضیاء، الاصباء

(فارس)

(شهر)

مہر، الطفان، پر، جراح، مہر، اسد، لطفیب

مہر، استدین، فطر، الدین، طبیب، مہر، احمد، فیلمخان

مہر، سلطنه، فیلمخان، مہر، علی، ضاحی، جراح، مہر،

محمد، ضاحی، جراح، مہر، ظاهر، جراح

مہر، احمد، داساز

بندر بو شهر

حاج، سید، فاطمیب، مہر، فرج، اللہ، جراح

بڑو جری

مہر، محمل، منادق، خافظ، الصقر، مہر، برق

بسیطان، الاصباء

علیستان

مہر، سید، جعفر، سید، اکٹب، آ

مہر، احسن، طبیب، مہر، امدادی، جراح

حکرناشام

مہر، امدادی، خان، احتشام، الحکاء

مہر، احمد، داشذ، کشز

وہم

مہر، البراء، طبیب

ساون

مہر، اهدادی، بیڑا، اط، الملاک

لوچان، بیکلہ

مہر، سید، جہاد، فخر، الحکاء، مہر، احمد، فخر،

غورغانی خان مرتضی خان دنبیل میرزا مصطفی خان سرشنہدار کل جناب مختار قبل پکمذار غیر
لطفی خان شکرالقد خان جمان بیکلو

معلمین فرانگیز

بنای است جناب امیر امرا و العظام نایر تھے
امیر تقی خان اجودا نبایشے کل عساکر

صوصورہ نظام و غیر نظام

ایران

کوچخان معاون نظام سرتیپ عباسیت
افتخار نظام کوچخان ابلال نظام

حتیفیلی فارس بی نظام مصطفی خان تھیہ
نظام شمس الدین میرزا صفائیہ الدولہ

حسنان سرتیپ بخار نظام و بکل باشے کل
اوایق فامہ مکتب نظام جلال نظام

ابوالمحمر میرزا اخیر نظام نواب یدالله میرزا
تیہن نظام میرزا الفاخان میرزا نجیل

نایب والجوہدا نبایشے میرزا اسکندر نجیہ
ناشیکل بھولان نبایشے آحمد خان جمالیہ

ابھٹا غلام رضا خان اردل نبایشے دارہ امامزادہ
حکم کرن امیر اکبر حکم

صنام منصب انصاص بخار طڑ
سرتیپیت نفر سہنل هفت نفر نایب

سرهنل دو نفر یا وحدت قیم نایب دو نفر
سلطان چلود و نفر نایب اول دو قیم

و غیرہ پنجاہ و هشت نفر

وفاق

امیر امرا پرنس زادیان مقتضی کل نظام
مسیو گرمون بکانجی باشے

معلمین مونزیل

فکرالله خان نیاء نظام میرزا الفاخ

بخت نظام نایر خان سروود نظام
سلیمان خان سرتیپ بھی شاہزادہ نفر

کل در صورت

ابوالحجی جنایل الہاب غیرہ تھا

سرہ او بصلیجی مخدی خان

نصر نظام حسین خان سرہنک

سایہ نامہ نبایشے خاں چلوبکن

و لخانہ هبہ اس

معلمین فرانگیز

جناب میرزا محمد حسین شمس الدین
معلم ادبیات میرزا ابراهیم معلم

میرزا کاظم خوشبو پس افاسیخ
با قریبیہ مدرسه و معلم بجود

شیخ عبدالحسین معلم فارسی
میرزا غلام رضا معلم خط

معلمین رضا خرقہ کل
میرزا سید ولی اللہ خان دکن معلم

طبعیات کنبل الدولہ سرتیپ معلم
جعفر افیا میرزا مهدی خان سرتیپ

معلم ناریخ صناد خان سرتیپ
معلم ریاضیه میرزا اجنب اسفل خان

معلم فرائنه میرزا سید ابو القاسم
خان معلم انکلیز حسین قلخان

معلم روپی امیر

معلمین نظامی

صادق السلطنه سرتیپ ابوالحسن خان
سرتیپ میرزا مصطفی خان سرہنل

علی صفرخان

شاکر ان عظیم

کیکندر بیت و شش نفر

شاکر دیکنلہ مفلہ نہ خدم نہ نفر

کل در صورت

ابوالحجی جنایل الہاب غیرہ تھا

سرہ او بصلیجی مخدی خان

نصر نظام حسین خان سرہنک

سایہ نامہ نبایشے خاں چلوبکن

و لخانہ هبہ اس

سرتیپ مثاق کل مرتضی خان فارس

احمد

اجودانهار پیمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبْرَاهِيمَ وَآتَاهُ
الْأَنْوَارَ فَإِنَّمَا يَنْهَا
كُلُّ شَرٍّ وَّاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ

شامور نظم اصطبیل قیچنخانه
کلپیز یون زا قل مرتبا
در دن با طریق و پاسخون

افغان خان پر خام السلطنت امیر نجہ
فرانڈ دیو بزون لہو داں دن فخر
مون سکھن اسہرے

برداشت و شکر ایله خان صنیا و نظام
مهر پنجه بر مهر اصلخان سرهنگ مهر زاده
مصطفی خان سرهنگ پانزده فرنگ

بیت و نہ فنگر باطریے اول

میرا امیر علیخان سرپر فرمائے باڑھ
آبودان و فرمائندھاں پسکھ جاندھ
شہزادہ جن

بِرْمَادِسْ سُلْطَانِ اَحْمَدْ مِهْزَارْ سُلْطَانِ
مَاوَرْ دُونْفَرْ سُلْطَانِ فَنَّا يَبِي وَنَفَرْ
سَامِيرْ بَلْبَسْ وَهَشَكْ نَفَرْ

قد ادیل اس طرافق
مہنگا علیاً بکرخان تقریب شے فرماندند
و فاندھار سکدو غیرہ هش پفر

ناظمی دل و نسب
محمدخان سردار فرمانده ناظم
آحمدخان و فرماندهان سلطنه

نذر اولیٰ با اصرار و تعبیر

دیپیزون دل فریدن
د دیاضر تقو پهسا سرکو

بِهِ زَرْ اَغْلَى مُحْسِنَاتِنَا بِاَصْرِ الْمَالِكِ هُنْجَر
فَرَانَدَ دُبُّوْزِيْونَةَ آجُوزَانَ فَوْزَ
يَا طَرَى سُورَ

سہرے اسید علی یقیناً عنو سند
فرماندہ باطریہ آجودان فرماد
دهان رسند چنان نظر

نذر لک با طرسو
علی چند هزار فرانه ندارد
فنازد هان رسید و غیره بست نفر

باجٹی چھارچ
مہر نامہ دینخان مہینہ نظام سر نسب
فرماندہ ناظر اجوداں و فرماندہ

سکدچهار نفر
علیٰ
نلارک با صریح
محمد علیخان سرتیپ فاچهار فرماندهی
علیٰ

فرماندهان دسته غیر مثبت نفی
کلوزیون سو مردوک

وَمِنْهَا مُرَبَّلٌ وَمَاجِهٌ
عَنْ كَاظِمِهِ زَانِهِ بِالْمَالِكِ تَرَبَّلٌ
فَهَانِدٌ دُونِيُونُ احْوَادِانُ وَغَزِ

مُؤْزِيَّةٌ كَانَتْ أَنْتَ الْمُكْثَرُ
بِنَيَاسِتِ ضِيَاٰ وَنَظَامٌ فِي الْمَعَابِدِ
لَهُ هَذَا صَاحِبُهُ مَصَانِجُونَ جُونَ

و سایر بناه و چهار بعد
ناظری نکو هم
هزاعلا که خان سرتی خانه افلاطون

اجودان رفوانه‌هان رسکلستیفر
تلاری با طریق خبر ندا
رسکلستیفر اندوزه‌الدوله‌رف

ناظم کی مشتمل

میرزا تقیخان سرپر فرمانده باصر
جودان و فرماندهان رسالت سفر

۱۰۷) دلیل بازگشایی

ا) **آنپهان تۈچىنىڭ ئەلچىلىقى**

بۇدا ئەلچىان سەھام نظام مەتىپىلدار سالاد پەزىز جىلاڭىابى جىلەپەر قۇغۇن
سەنام اجزىءى يازىدە نەزەر

اىندا لە قۇمۇمایىلىرىنى

تەنداخان سەرئىپ بەخوبىلدار آفراسىدا خان سەرتىپ بەخۇفانىز ساراجىزادە نەزەر
خان سەرتىپ بەخۇفانىز ساراجىزادە نەزەر

حەملەتىرىن ائەلەتكەن كەن توخىما

صەنام منصبىساقا و خەماقى توخىما خابى سەداھەمەز احتىخا خاقان مەھمەد
تەنەنخان بەرپەچىر فەرخەنخان ائەلەن نظام
مەھمەللىرىز سەرئىپ عەتايىخا مەعلمەتلىكىن
عېدىللىكىن مەھمەز اعلامىن سلطان

اىندا لە سەرەپلەرلەن

ظاھەن ئايىجا جۇدا ابا شەرىپ بەن بەلدا
اىندا سەرفەن دەشىپ بەن بەلدا

(اىندا نەلسىن)

اىندا لە ئەۋار مۇزدا زەنخىدا

جەناب جىلاڭىابى جىلەپەر قۇغۇن
اىندا سلطان آجزىءى دەنەزەر
اىندا سەرفەن دەشىپ بەن بەلدا

اىندا لە ئەۋار سەركەز

اىندا قېرىزىندا ئەندىشىپ بەن بەلدا
جەناب جىلاڭىابى جىلەپەر قۇغۇن
اىندا سەرفەن دەشىپ بەن بەلدا

مۇزدا زەنخىدا زەنخىدا

مۇزدا زەنخىدا ئەندىشىپ بەن بەلدا
امېر ئەلەرغا العظام ئەلەنخان بەن بەلدا
كەل ذخاپىز

اىندا خەلەق ئەلەتكەن

سەرئىپ بەن بەن بەن بەن بەن بەن بەن
امېر ئەلەرغا العظام ئەلەنخان بەن بەلدا
كەل ذخاپىز

حەملەتىرىن ائەلەتكەن

صەنام منصبىساقا و خەماقى توخىما
و غەنەر قۇرغۇشىپ بەن بەلدا
جەناب خەن ئەندىشىپ بەن بەلدا
حەنەنخان سەرەنگىز

سابرلايک خان سرهنگ

اوزرلاییخان

جلاییر الامرا العظام ملکی هزاره

امیر توپان رئیس

اردا منصب بی وہشت نفر

اصنف چهار نفر

وکیل بست دیک نفر

فوڑخانچی پنجاه و سه نفر

خواراسطن

عباسقلیخان مونن نظام سرتیپ زیر

اردا منصب شش نفر

وکیل دو نفر

سرایلار نفر

فوڑخانچی بست نفر

اصفهان

محمد علیخان سرتیپ دینیس

صالحمنصب لایزده نفر

سرایلار چهار نفر

قوڑخانچی دو نفر

ام ازرا

حسنخان سرتیپ فریبز

صالحمنصب دو نفر

فوڑخانچی هفت نفر

بروجرد و لورستان

حاجی علیا کبیر نیدشت کرد زیر

صالحمنصب سه نفر

فوڑخانچی هشت نفر

بسطام

جوادخان سلطان

صالحمنصب نهند

فوڑخانچی دو نفر

خواراسطن

جعفر ظیخان فاهم السلطان زیر

صالحمنصب شه نفر

فوڑخانچی دو نفر

محمد بن من

احماد عبده خان سرهنگ

کارمان شاهی

غافر خان سرهنگ

آغا خان سرهنگ

<p

فوج اقبال

مُرْدَة (۲۳)

دراداره جناب سلطان امیر نظام
آبوا بھجی شجاع السلطنه امیر نومن
امیر حسنه خان سرتیپ صنایع للتلخان
سرہنگ صنایع منصبا جزو چهل نومن

فوج ذوق رضوت

مُرْدَة (۲۴)

دراداره جناب سلطان امیر نظام
آبوا بھجی شجاع السلطنه امیر نومن
قلمخان قلیقل صنایع منصبا جزو نومن

فوج ذوق خاصہ

مُرْدَة (۲۵)

دراداره جناب سلطان امیر نظام
آبوا بھجی شجاع السلطنه امیر قوان فوج
خاچال سلطان سرتیپ و سنهنگ
سرہنگ صنایع منصبا جزو میں سرتیپ

فوج چہرہ قبرہ

مُرْدَة (۲۶)

جمع احتشام المالک صنایع منصبا
بیہت و شریفتر

فوج امیریہ

مُرْدَة (۲۷)

جمع جناب فتح اللہ خان ظفر الدوسر و میر
حسنه خان سرتیپ صنایع منصبا جزو دومن

فوج مخبر از شفاف

مُرْدَة (۲۸)

دراداره جناب سلطان امیر نظام
آبوا بھجی جناب سلطان امیر نومن
آبوا بھجی جناب سلطان امیر نومن
مہذب سلطان سرتیپ ابو لفظہ خان
اٹھنا شکر سرتیپ صنایع منصبا

فوج پنجہر شفاف

مُرْدَة (۲۹)

دراداره جناب سلطان امیر نظام
آبوا بھجی جناب سلطان امیر نومن

فوج ایام

اُخْرَى رَبَّ الْجَنَّاتِ

عمان الداره العظام میر احمد علیخان
سرہنگ احتشام لشکر کرد

خراسان

حاجی محمد بنخان سرہنگ

امستره راہب

رضخان یاورد

اصفیہ

محمد علیخان سرتیپ

فلس

حاجی محمود خان سرہنگ

کردستان

محمد علیخان سرتیپ خیاودیوان

کردخان

غلام حسنه خان یاورد

کرمہ انشاہ

غلام حسنه خان یاورد

کیزد

میرزا امینیان

افراج قاچار

(اُخْرَى رَبَّ الْجَنَّاتِ)

(فوج بھاکاران)

مُرْدَة (۳۰)

دراداره جناب سلطان امیر نظام

آبوا بھجی جناب سلطان امیر نومن

آبوا بھجی جناب سلطان امیر نومن

سرہنگ صنایع منصبا جزو چهل هشت نومن

فوج اول خاصہ

مُرْدَة (۳۱)

دراداره جناب سلطان امیر نظام ابو

جمیع جناب شجاع السلطنه امیر قوان

اعلم من نظام سرتیپ تھیخان سرہنگ

صلح خان صنایع منصبا جزو پنج بیرون

علیخان سرہنگ مباشر کارخانہ بھنڈرے

اسناد سرہنگ مباشر کارخانہ بھنڈرے

بابا سرہنگ مباشر عمل خدا دی علام عینتو

سرہنگ مباشر کارخانہ جنیخ بخار

ساہب سرہنگ مباشر

غلام حسنه خان مستشار نظام میرزا شید

علی اصغر خان سرتیپ مہمنگان مقصام

لشکر محمد علیخان مؤمن نظام بوتفخ

سرتیپ سید علیخان صنیع حضرت

میرزا فضل اللہ خان حمیت نظام ہاشم خان

سرتیپ میرزا اعلیٰ الکبر خان حسنیان

میرزا ابو الفاضل خان ہمیخان سرتیپ

ساہب دوازده نفر

اوایل قتل

جناب سرہنگ اعلیٰ اکبر خان افتخار لشکر جناب

میرزا اشرف لشکر مونپر جناب سرہنگ ابو الحسنی

شہاب لشکر جناب سرہنگ اعلام حسنه خان

انٹخاب لشکر جناب سرہنگ اسید علیخان

حشم لشکر میرزا شکر اللہ خان لشکر قوت

میرزا اسید محمود خان مؤید دفتر میرزا

علیخان سرہنگ دار تھنہ امین و سرہنگ

میرزا علی سرہنگ دار میرزا مصطفی خاں

سرہنگ دار میرزا جعفر عزیز دفتر

سرہنگ کے ملن

غلام علیخان سرہنگ کلخان هند

حاجی اسماعیل خان سرہنگ آمیخان هند

میرزا علیخان سرہنگ آمیخان هند

میرزا محمود خان سرہنگ میرزا احمد خان

میرزا امینیل خان تایب جوڈا انبالہ

کامل خان میرزا علیخان ساپردہ نفر

دایور او صلوات و عالی

دوہست و چھڑا و ھفت نفر

فوج خان پنجھڑا

دوہست و ہے و نہ نفر

فوج مهار شفاف	منصبان جزوی پسته فتوح منصبان جزوی هشت نفر درادا از جناب مسٹر ابرنظام شجاع السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج خلخال	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام او هشت شجاع السلطنه امیر توغان سرهنگ مهند بالدوله سرتیپ محمد غازی سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج شمشیر شفاف	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج مظفر مراغه	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج قهرمانیه	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج سیمیراغ	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج مخبر المظکو	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج پیغمراحت	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج چهارم راغه	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج ناصحه راقی	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج مقدم راشد	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر
فوج اربک بیرون شکن	منصبان سرتیپ محمد صنیع خان سرهنگ درادا از جناب مسٹر ابرنظام آبوا بجهی شجاع السلطنه امیر توغان غزال خان سرتیپ بنام السلطنه امیر توغان سرهنگ صالح منصبان جزوی و هفت نفر

فوج فوج (ع۴۳)
أبو الجعفر جنابه را وفقه سرہنخ
سرہب مناجهتیا معرفت نظر

فوج هزار حربی

فوج (ع۴۷)
جمعی محمد با فخران ضریح الملک سرتی
اول صاحبہنگام معرفت نظر

فوج هزار حربی

فوج (ع۴۸)
جمعی علی قلی خان سرتیب سوی المک
صاحبہنگام معرفت نظر

فوج دو رانگ

فوج (ع۴۹)
دراداڑہ خاصہ حضرت اشرف والا أبو الجعفر جناب سلطان بر اقم سردار
نایبی السلطنه امیر کنروز بجنک صاحب
منصبان بزرگ بیت و مذکون نظر

فوج افسر نوابی

فوج (ع۵۰)
میرزا عبدالوهاب خان سرتیب صاحب
صاحبہنگام معاف سر نظر

فوج کامر فراہم

فوج (ع۵۱)
جمعی جناب سلطان نصرالملک سرتیب
آبواجعی نواب والد خان امیر پنجہ میرزا
شنبیخان سرتیب صاحبہنگام
جزد بیت و مقت نظر

فوج بزر چلو

فوج (ع۵۲)
آبواجعی جناب سلطان نصرالملک سرتیب
بن امین خان سرتیب عامتم السلطنه
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج فوج

فوج (ع۵۹)

ابو الجعفر جناب سلطان برادر خاصہ حضرت اشرف والا امثل
سپہنده ذوالقدر غفار ممتاز اللاد
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج ششمہر کوزلو

فوج (ع۶۰)

ابو الجعفر جناب سلطان برادر افخم سردار
فضل اللہ خان اندھارا المک سرتیب
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج منصور کوزلو

فوج (ع۶۱)

دراداڑہ خاصہ حضرت اشرف والا أبو الجعفر جناب سلطان بر اقم سردار
غلام رضا خان احتشام الدله خان
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج فلک

فوج (ع۶۲)

جمعی حسینی خان ساعد الملک سرتیب اکنہ
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج مخبرہ کوزلو

فوج (ع۶۳)

ابو الجعفر جناب محمد مهدی خان امیر
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج فالا پر

فوج (ع۶۴)

ابو الجعفر سالم الدله امیر توہنہ بہزاد
ذاؤ دخان سرتیب صاحبہنگام نظر

فوج بیک و فدا

فوج (ع۶۵)

دراداڑہ خاصہ حضرت اشرف والا
ظل السلطان میرزا عبید بن بخش سرتیب
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج مجبرہ سرخ

فوج (ع۶۶)

ابو الجعفر جناب سلطان برادر خاصہ حضرت اشرف والا امثل
سپہنده ذوالقدر غفار ممتاز اللاد
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

فوج سریند

فوج (ع۶۷)

جمعی محمد با فخران ضریح الملک سرتی
اول صاحبہنگام معرفت نظر

فوج حلق قمر

فوج (ع۶۸)

دراداڑہ خاصہ حضرت اشرف والا أبو الجعفر جناب سلطان بر اقم سردار
نایبی السلطنه امیر کنروز بجنک صاحب
منصبان بزرگ بیت و مذکون نظر

فوج کرہ اخلاص

فوج (ع۶۹)

جمعی طغیل خان میر پنجہ پیر مر جو ند
میر شبا ذرباچانه صاحبہنگام
جزد بیت و مقت نظر

فوج سارہی

فوج (ع۷۰)

جمعی جناب سلطان نصرالملک سرتیب
آبواجعی نواب والد خان امیر پنجہ میرزا
شنبیخان سرتیب صاحبہنگام
جزد بیت و مقت نظر

فوج چہار محال

فوج (ع۷۱)

دراداڑہ خاصہ حضرت اشرف والا
ظل السلطان میرزا عبید بن بخش سرتیب
صاحبہنگام بزرگ بیت و مقت نظر

دزادا	ج	أبو الجعفر جعفر بن محمد حسن خان سرپنچه حسيني خان سرپنچه	درادا زاده جناب سردار مؤيد جعفر هادا سلطنه امير قوه همايلل الله سرپنچه
درسته	ك	كرسته فرسوده مرشد وشوف استاد اغون	درسته چليپانلو
درسته	ك	خاير جاه طاير خان برگرهي افابابا يك ايش خان	درادا زاده جناب سردار مؤيد جهوي خان سرپنچه نصرالسلطنه
درسته	م	طافر خان مسروسا ناز آيوه كش رامه زاده	درسته مظفر
درسته	آ	آيو الجعفر جناب جعفر خان ميلل الله ميرزا الطفع خان صارم السلطنه	آيو الجعفر نواب والأنصار زاده الذله امير توغان شجاع الدین هرزا ساير مناصب منصبان پان زده نفر
درسته	ك	قراسو مرقديم مرشد بعيي سکول الله خان شجاع نظام سرت	درسته كنجه
درسته	ج	جليل شفقي جيوي خان سرپنچه	آيو الجعفر محمد علخان سرپنچه
درسته	ز	عنایت الله خان امير قومان كليمي	درسته نصر
درسته	د	آيو الجعفر لطف الله خان سرپنچه درادا زاده	آيو الجعفر هزار مولى خان جودان غيره عنایت الله خان امير قومان
درسته	م	درادا زاده جناب سردار مؤيد آيو الجعفر محمد خان زيد اللاله بروم	درسته شقاق و شاطر انلو و ليكاملو
درسته	م	درادا زاده مركي دكتار و سرکشيكي باشند و مرداد	جيوي عليقليخان ييو
درسته	ر	عرش الله خان سرپنچه درسته	درسته شاھسو آينانلو
درسته	ن	جيوي لطف خان سرپنچه معاشر اخرين	آيو الجعفر جناب عنایت الله خان سلا امجد عنایت الله خان لقبا دهوان
درسته	ش	شاهسو عاشر از بدين اهله آيو الجعفر عبد الحسين هزار سايمه عانه نفر	درسته شاهسو عاشر
درسته	ح	حاجي عليق حاجي فراسو مرزا آيو الجعفر سمت خان مرمنك کامران خان	آيو الجعفر سمت خان مرمنك کامران خان سرکرده فراموشان
درسته	ق	قرن پاپايف	درسته قرن پاپايف